

چکیده

موضوع آوارگان فلسطینی از مهم ترین و پیچیده ترین مسایل منطقه ای است که ابعاد گوناگون حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به خود گرفته و به رغم گذشت ۶ دهه از آغاز آوارگی فلسطینیان، جامعه جهانی همچنان در حل بحران ناکام مانده است. تعداد قابل توجهی از آوارگان فلسطینی در طی این مدت به ناچار روانه عراق شده اند و با مشکلات متنوعی روبرو بوده اند. اتفاقاً این مشکلات پس از سرنگونی رژیم عراق بیشتر و پیچیده تر شده است. نویسنده مقاله حاضر با مروری بر ابعاد مختلف پناهندگی، وضعیت فلسطینی های ساکن عراق را از دیدگاه حقوق بین الملل مورد بررسی قرار می دهد.

کلیدواژه ها: حقوق بشر دوستانه، حقوق بشر، آوارگان فلسطینی، عراق جدید، حقوق

پناهندگان

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد آشتیان

مسئله آوارگان فلسطینی یکی از اساسی‌ترین معضلات جامعه جهانی در نیمه دوم قرن بیستم بود و در آغاز قرن بیست و یکم این معضل همچنان حل نشده باقی مانده و جمعیت آواره فلسطینی تبدیل به «گروگان تاریخ و سیاست» شده است. یکی از سوالهای اساسی این است که، چرا جامعه جهانی به رغم گذشت ۶ دهه هنوز در حل معضل آوارگان فلسطینی ناکام مانده است؟ از آنجایی که مسئله آوارگان فلسطینی بسیار پیچیده است، یافتن پاسخی جامع و کامل به این سوال میسر نمی‌باشد، اما شاید بتوان گفت که وجود واقعیتهایی نظیر موارد زیر مانع از حل معضل آوارگان شده است:

۱. کشورهای توسعه یافته (غربی) به دلایل گوناگون ترجیح می‌دهند که جمعیت آواره فلسطینی در کرانه باختری، نوار غزه و کشورهای منطقه اسکان داده شوند و در نتیجه از بروز مشکلات احتمالی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع خود جلوگیری کنند؛
 ۲. کشورهای منطقه دچار مشکلات متنوع سیاسی - اقتصادی داخلی هستند و حضور آوارگان فلسطینی در این دسته از کشورها باعث شده که مشکلات داخلی آنها مضاعف شود، در نتیجه آنها خواهان خروج آوارگان فلسطینی از کشور خود می‌باشند؛
 ۳. اسرائیل از بدو تأسیس در تلاش بوده است که با ایجاد فضای رعب و وحشت فلسطینیان را از منطقه اخراج نماید تا با خروج آنان و اسکان یهودیان در منطقه توازن جمعیت را به نفع یهودیان تغییر داده و زمینه افزایش قدرت و امنیت اسرائیل را فراهم آورد.
- اگرچه مجامع و نهادهای بین‌المللی با وضع مقرراتی خاص و صدور قطعنامه‌هایی، در صدد یافتن راهی برای حل مشکلات آوارگان فلسطین و کاهش رنج و دردهای آنها هستند، این اقدامات صرفاً برای ارضای حس انسان دوستی خود آنهاست، نه یافتن راه حلی اساسی برای معضل پناهندگان فلسطینی. از فردای شروع بحران و پس از اوج گیری جنگ ۱۹۴۸، سازمان ملل متحد در یک واکنش رسمی تنها به سرزنش رژیم اسرائیل اکتفا کرد و از آن خواست تا نسبت به پناهندگان و آوارگان موضع ملایم‌تری در پیش گیرد. این موضوع نه تنها مورد پذیرش دولت افراتی یهودی واقع نشد، بلکه با تدوین و اجرای سیاستهای تبعیض آمیز

رویه خصمانه تری را نیز در قبال فلسطینی ها در پیش گرفت. سازمان ملل متحد که در ابتدا به رایه توصیه و تذکر به مقامهای دولت جدید اکتفا کرده بود، با صدور یک قطعنامه، ناخشنودی عمیق خود را از سیاستهای اسراییل آشکار ساخت و در اولین واکنش جدی و صریح با تصویب قطعنامه ۱۹۴ خواستار اعاده حقوق آوارگان فلسطینی و تضمین بازگشت محترمانه پناهندگان شد.

هرچند رفتار اسراییل با پناهندگان فلسطینی نقض آشکار حقوق بشر دوستانه بین المللی، حقوق بشر بین المللی و قطعنامه های صادره از سوی سازمان ملل متحد می باشد، جامعه جهانی هنوز شاهد تزییع حقوق فلسطینیان و تداوم جنایتهای اسراییلی است و آوارگان فلسطینی در شرایط بسیار سخت و ناگوار در منطقه خاورمیانه و سایر نقاط جهان گذران امور می کنند. یکی از کشورهایی که آوارگان فلسطینی در آن سکنی گزیده اند، عراق است. هر چند آوارگان فلسطینی قبل از سقوط صدام حسین از شرایط بهتری نسبت به نقاط دیگر برخوردار بودند، پس از حمله آمریکا به عراق و فروپاشی حکومت بعثی شرایط زندگی برای پناهندگان فلسطینی در این کشور در مقایسه با گذشته بسیار سخت تر شده است. بر همین اساس، نوشتار حاضر در دو بخش سازمان دهی شده است که در بخش اول «وضعیت آوارگان فلسطینی در حقوق بین الملل» و در بخش دوم «وضعیت آوارگان فلسطینی در عراق در پرتو تحولات جدید» مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد.

بخش اول- وضعیت حقوق آوارگان فلسطینی در حقوق بین الملل

اگر به دنبال تاریخ مشخصی برای آغاز آوارگی فلسطینی ها باشیم، سال ۱۹۴۸ بهترین زمان به شمار می رود؛ اگرچه اندک زمانی پیش از این نیز در پی گسترش حملات گروههای صهیونیستی و یهودیان افراطی از یک سو و خرید زمینهای حاصلخیز فلسطینی توسط یهودیان طبق یک برنامه ریزی مشخص از سوی دیگر، رعب و هراس جدی به وجود آمده و پاره ای از فلسطینی ها را به خروج از منطقه ترغیب می کرد، اما مهم ترین علت آوارگی را می توان جنگ ۱۹۴۸ قلمداد کرد.^۱ در خلال یک سال پیش از وقوع جنگ، اقدامات

گروه‌های افراطی یهودی و تروریست‌های صهیونیست به اوج خود رسیده بود و جنگ و سپس اعلام اشغال فلسطین و تأسیس اسرائیل نیمی از جمعیت فلسطینی ساکن را به کشورهای هم‌جوار آواره کرد.^۲

در پی اعلام موجودیت اسرائیل به عنوان یک دولت مستقل در ماه مه ۱۹۴۸ و شروع درگیری‌های شدید میان مسلمانان و صهیونیستها، سیل آوارگان فلسطینی به سوی کشورهای عربی هم‌جوار آغاز شد؛ اگرچه سیاست ارعاب و ترور گروه‌های افراطی و تندرو صهیونیستی تا پیش از اعلام موجودیت، سبب مهاجرت اجباری حدود ۲۰۰ هزار فلسطینی شده بود، فقط طی سال اول جنگ و هنگامی که اسرائیل قراردادهای آتش بس را با همسایگان امضا می‌کرد، بیش از ۸۰۰ هزار عرب ساکن فلسطین این منطقه را ترک کرده بودند.^۳ سیاست‌های توسعه طلبانه اسرائیل و اخراج مستمر و منظم فلسطینی‌ها از اراضی اشغالی به بهانه‌های گوناگون، طی سال‌های بعد به شکل کاملاً سازمان یافته ادامه یافت. این روند بدون توجه به نگرانی‌های جامعه جهانی و بدون اعتنا به قطعنامه‌های سازمان ملل در خصوص لزوم توجه جدی و عمیق به حقوق پناهندگان صورت می‌گرفت و طی جنگ‌های مختلف در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ از شدت بیشتری برخوردار شد. بر اثر سیاست‌های اخراج دسته جمعی، مهاجرت اجباری و فشارهای گوناگونی که علیه فلسطینی‌ها صورت گرفته است، اینک بیش از ۴ میلیون آواره فلسطینی به عنوان بزرگ‌ترین جمعیت آواره در جهان پراکنده‌اند. بخش‌های عمده‌ای از این آوارگان در کشورهای هم‌جوار و محروم از حقوق شهروندی و به عنوان مزاحم‌هایی سربار و اتباع درجه دوم که هیچ‌گاه حقوق آنان به رسمیت شناخته نشده، همچنان به حیات فلاکت بار خویش ادامه می‌دهند. عملکرد اسرائیل در اخراج فلسطینی‌ها از سرزمین‌های اشغالی، در راستای سیاست پراکنده سازی فلسطینی‌ها، تمرکز یهودیان در سرزمین واحد و تغییر بافت جمعیتی اراضی اشغالی فلسطین صورت می‌گیرد که این امر، خلاف حقوق بین‌الملل و نقض اساسی اصول «حقوق بشر دوستانه»، «حقوق بشر» و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در خصوص نحوه برخورد با آوارگان فلسطینی براساس قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشد. سازمان ویژه‌ای وابسته به سازمان ملل متحد برای امداد و اشتغال

پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک (آنروا)^(۱) تأسیس شد تا مراقبت از پناهندگان فلسطینی را بر عهده گیرد. بنابراین در سال ۱۹۵۱ تصمیم گرفته شد، آن عده از پناهندگان فلسطینی که از کمک آنروا برخوردارند، از شمول کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان مستثنی شوند. به همین دلیل و نیز با توجه به این حقیقت که هیچ یک از کشورهای محل مأموریت «آنروا» مقیم در حوزه فعالیت آن، از حمایت ویژه مقرر در کنوانسیون و نیز حمایت بین المللی پیش بینی شده در مأموریت کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان بهره نمی برند، در نتیجه در تحقیقات مربوط به پناهندگی فلسطینی، حقوق بین الملل پناهندگان فلسطینی اغلب نادیده گرفته می شود.

تعریف آنروا از پناهنده فلسطینی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در تاریخ ۸ دسامبر ۱۹۴۹ قطعنامه ۳۰۲ را به تصویب رساند و آژانس امداد و اشتغال ملل متحد برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک (UNRWA) را تأسیس کرد. آنروا در طلیعه فعالیت‌های خود تصمیم به سرشماری گرفت و پناهنده فلسطینی را این گونه تعریف کرد: «یک پناهنده فلسطینی، شخص نیازمندی است که در جنگ در فلسطین، خانه و وسیله تأمین معاش خود را از دست داده است.»^۴ هدف از این تعریف حذف امدادجویان فاقد شرایط از لیست بلند بالای امداد بود. اشاره به «وسیله معاش» نیز از این رو آورده شده بود که نام امدادجویانی که زمین خود را از دست داده بودند ولی خانه هایشان بر جای مانده بود، خط بخورد. این دسته را پناهندگان اقتصادی می نامیدند زیرا وسیله امرار معاش را از دست داده، ولی چون از خانه و کاشانه خود نگریخته بودند، به مفهوم واقعی کلمه پناهنده نبودند. این تعریف از پناهنده فلسطینی در پاییز ۱۹۵۱ اصلاح و تنقیح شد: «یک پناهنده فلسطینی شخصی است که محل اقامت عادی وی در فلسطین است و در نتیجه مناقشات، خانه و معاش خود را از دست داده و نیازمند کمک است.»^۵ هدف اصلی از این تجدید نظر این بود که وضعیت گروهی کثیر از لبنانی ها - از جمله مالکان اراضی،

1. United Nations Relief and Works Agency for Palestinian Refugees in Near East (UNRWA)

کشاورزان، کارگران و مستخدمان - که در فلسطین مشغول زندگی و کار بوده اند و در سال ۱۹۴۸ به کشور اصلی خود پناه برده بودند را شامل شود.

مدیر آنروا در گزارش سالیانه ۱۹۵۲-۱۹۵۱ خود گفت که اصطلاح پناهنده ثبت شده به این افراد اطلاق می شود: کلیه آوارگان واجد شرایط خدمات امداد و باز پروری آژانس شامل کودکان زیر یک سال که نصف سهمیه دریافت می کنند و بزرگسالان و کودکان که تمام سهمیه را دریافت می کنند. این گونه نیست که همه آوارگان شایسته بهره گیری از مساعدت آژانس باشند. برخورداری از این کمک مشروط به نیاز و همچنین از دست دادن خانه و وسیله امرار معاش در نتیجه مناقشه است.^۶ به نظر می آید عبارت جدید هم بسیار مبهم است و به همین دلیل، تعریف یاد شده در اوایل سال ۱۹۵۲ باز هم اصلاح شد: «پناهنده فلسطینی شخصی است که اقامتگاه عادی وی دست کم به مدت دو سال پیش از وقوع مناقشه در ۱۹۴۸ فلسطین بود و در نتیجه این مناقشه، خانه و نیز وسیله امرار معاش خود را از دست داده است.»^۷ این تعریف به صورت تعریف مقدماتی و پذیرفته شده از «پناهنده فلسطینی» درآمد و در سراسر سالیان گذشته تغییری اساسی نیافت. تغییری که بعدها صورت گرفت این بود که عبارت «مدت دو سال» به نحوی اصلاح گردید که تاریخهای مشخصی را شامل شود (دوره زمانی ۱ ژانویه ۱۹۴۶ تا ۱۵ مه ۱۹۴۸).

در طول جنگ ۱۹۶۷ و پس از آن در حدود ۱۶۲۵۰۰ نفر از آوارگان ثبت نام شده از کرانه باختری و حدود ۱۵۰۰۰ نفر از آوارگان نوار غزه به (شرق) اردن گریختند. این افراد به حدود ۲۴۰۰۰۰ نفر ساکن کرانه باختری و نوار غزه که برای نخستین بار آواره می شدند، پیوستند. تقریباً ۱۱۵۰۰۰ نفر هم در جنوب سوریه و به هنگامی که نیروهای اسرائیل بلندیهای جولان و منطقه قنيطرة را اشغال کردند، آواره شدند. اکثر این افراد در منطقه اطراف دمشق و درعه مقیم شدند. در این میان حدود ۱۶۰۰۰ آواره فلسطین از قبل در آنروا ثبت نام شده بودند.^۸ جدول زیر بیانگر آمار آوارگان فلسطینی از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۵ می باشد که توسط آنروا به ثبت رسیده است.

تعداد آوارگان ثبت شده ۲۰۰۵-۱۹۵۰*

| منطقه سال | اردن | لبنان | سوریه | کرانه باختری** | نوار غزه | جمع کل |
|--------------|---------|--------|--------|-------------------|----------|-----------|
| ۱۹۵۰ | ۵۰۶۲۰۰ | ۱۲۷۶۰۰ | ۸۲۱۹۴ | - | ۱۹۸۲۲۷ | ۰۰۰۹۱۴۲۲۱ |
| ۱۹۵۵ | ۵۰۲۱۲۵ | ۱۰۰۸۲۰ | ۸۸۳۳۰ | - | ۲۱۴۷۰۱ | ۹۰۵۹۸۶ |
| ۱۹۶۰ | ۶۱۳۷۴۳ | ۱۳۶۵۶۱ | ۱۱۵۰۴۳ | - | ۲۵۵۷۰۱ | ۱۱۲۰۸۸۹ |
| ۱۹۶۵ | ۶۸۸۰۸۹ | ۱۵۹۸۱۰ | ۱۳۵۹۷۱ | - | ۲۵۵۵۴۲ | ۱۲۸۰۸۲۲ |
| ۱۹۷۰ | ۵۰۶۰۳۸ | ۱۷۵۹۵۸ | ۱۵۸۷۱۷ | ۲۷۲۶۹۲ | ۲۹۶۹۵۳ | ۱۴۲۵۲۱۹ |
| ۱۹۷۵ | ۶۲۵۸۵۷ | ۱۹۶۸۵۵ | ۱۸۴۰۴۲ | ۲۹۲۹۲۲ | ۳۱۱۸۱۴ | ۱۶۳۲۷۰۷ |
| ۱۹۸۰ | ۷۱۶۳۷۲ | ۲۲۶۵۵۴ | ۲۰۹۳۶۲ | ۳۲۴۰۳۵ | ۳۲۳۰۳۱ | ۱۸۴۴۲۱۸ |
| ۱۹۸۵ | ۷۹۹۷۲۴ | ۲۶۳۵۹۹ | ۲۴۴۶۲۶ | ۳۵۷۷۰۴ | ۳۶۷۹۹۵ | ۲۰۹۳۵۴۵ |
| ۱۹۹۰ | ۹۲۹۰۹۷ | ۳۰۲۰۴۹ | ۲۸۰۷۳۱ | ۴۱۴۲۹۸ | ۴۹۶۲۳۹ | ۲۴۲۲۵۱۴ |
| ۱۹۹۵ | ۱۲۸۸۱۹۷ | ۳۴۶۱۶۴ | ۳۳۷۳۰۸ | ۵۱۷۴۱۲ | ۶۸۳۵۶۰ | ۳۱۷۱۶۴۱ |
| ۲۰۰۰ | ۱۵۷۰۱۹۲ | ۳۷۶۴۷۲ | ۳۸۳۱۹۹ | ۵۸۳۰۰۹ | ۸۲۴۶۲۲ | ۳۷۳۷۴۹۴ |
| ۲۰۰۵ | ۱۷۸۰۷۰۱ | ۴۰۰۵۸۲ | ۴۲۴۶۵۰ | ۶۸۷۵۴۲ | ۹۶۱۶۴۵ | ۴۲۵۵۱۲۰ |

* آمار براساس سرشماری آنروا است که معمولاً ۳۰ ژوئن هر سال به روز می شود. از آنجایی که ثبت نام توسط آژانس داوطلبانه انجام می شود، این آمار تعداد دقیق آوارگان را نشان نمی دهد.

** تا سال ۱۹۶۷ کرانه باختری به عنوان بخشی از اردن اداره می شد.

*** شامل ۴۵۸۰۰ نفر در اسرائیل که تا ۱۹۵۲ تحت سرپرستی آنروا بوده و از این سازمان کمک دریافت می کردند.

منبع:

www.un.org/unrwa.refugees

جنگ ۱۹۶۷ و آوارگی گسترده آوارگان ثبت نام شده و نیز فلسطینی هایی که برای نخستین بار بی خانمان می شدند، بر فعالیت آنرا اثر شدید گذاشت. آنرا بلافاصله پس از شروع مناقشه به کمک رسانی اضطراری به آوارگان ثبت نام شده و همچنین افراد بی خانمانی که ثبت نام شده بودند اقدام کرد. این مساعدت شامل برپایی اردوگاههای اضطراری چادری و توزیع سهمیه و ارایه خدمات پزشکی بود. با وجود این، آنرا هیچ گاه تعریف مقدماتی خود را از پناهنده فلسطینی که پیشتر بدان اشاره گردید، توسعه و تعمیم نداد و همچنان تعریف وضعیت پناهندگی را شامل فلسطینی هایی می دانست که در نتیجه مناقشه ۱۹۴۸ آواره شده بودند. بنابراین، ملاحظه می شود که مفهوم پناهنده مندرج در تعریف آنرا با مفهومی که عموماً در حوزه حقوق بین الملل پناهندگی مورد استفاده قرار گیرد، چندان مطابقت ندارد.^۱ با توجه به تعاریفی که از واژه پناهنده براساس کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱ و پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان ۱۹۶۷ ارایه شده، ملاحظه می شود که این اسناد بین المللی شامل وضعیت آوارگی فلسطینیان نمی شود و از سوی دیگر، تعریف آنرا از آوارگان نیز فقط مشمول تعداد معدودی از فلسطینیان می شود که قبل از مه ۱۹۴۸ آواره شده اند، در حالی که فلسطینیان زیادی به دنبال جنگهای ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ خانه و کاشانه خود را از دست داده و در آوارگی به سر می برند. بنابراین شایسته است که وضعیت حقوقی آنان براساس اصول حاکم بر حقوق بین الملل نظیر حقوق بشر دوستانه بین المللی و قطعنامه های سازمان ملل که می تواند شامل تمامی آوارگان فلسطینی شود، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

حقوق بشر دوستانه بین المللی

حقوق بشر دوستانه در وضعیت فعلی جامعه بین المللی اهمیتی بسیار والا یافته است، تا حدی که شورای امنیت، عدم رعایت آن را یکی از مصادیق بارز تهدید صلح و امنیت بین المللی تلقی کرده است. حمایت از غیر نظامیان، سنگ بنای حقوق بشر دوستانه است و ممنوعیت اخراج غیر نظامیان از سرزمینهای اشغالی به صراحت در ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو تجلی یافته است. در این ماده آمده است: «انتقال اجباری یا جمعی و همچنین

اخراج افراد غیرنظامی از سرزمینهای اشغالی به سرزمین دولت اشغالگر یا هر کشور دیگر اعم از اشغال شده یا نشده بدون توجه به انگیزه آنها ممنوع است. ماده ۴۹ بیانگر آن است که کلیه اشکال تغییر اجباری محل استقرار غیرنظامیان ممنوع است؛ اشغال، تغییر محل در داخل سرزمین اشغالی است ولی اخراج، تغییر محل به خارج از سرزمین مزبور می باشد. هر جا که مردم غیرنظامی به اجبار از اقامتگاه عادی خویش نقل کنند - به جز موارد تخلیه و بازداشت - ماده ۴۱ قابل اعمال است.^{۱۰} از آنجا که آوارگان فلسطینی اغلب در معرض درگیریهای مسلحانه قرار داشته اند، حقوق بشر دوستانه بین المللی به خصوص ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو در مورد آنان اهمیت فراوانی یافته است. این اهمیت به ویژه مربوط به شمار فراوانی از فلسطینیان بوده که به نوار غزه و کرانه باختری پناه برده بودند. پس از جنگ ۱۹۶۷ این دو منطقه به اشغال نظامی اسرائیل درآمد. هنگامی که این سرزمینها وضعیت اشغالی پیدا کرد، در نتیجه آن وضعیت پناهندگان نیز تغییر یافت؛ زیرا در چنین حالتی اینان علاوه بر آنکه پناهنده بوند در زمره اشخاص مورد حمایت حقوق بشر دوستانه بین المللی نیز قرار می گیرند. در این ارتباط بود که کمیته صلیب سرخ حمایت بین المللی خود را شامل حال آنان ساخت.^{۱۱}

هر چند که اسرائیل در ۸ دسامبر ۱۹۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو را امضا و در ۱۰ آوریل ۱۹۵۱ آن را تصویب کرد، اما اسرائیل همواره اصول مذکور را نقض کرده است و ادعا دارد که این ماده در خصوص کرانه باختری و نوار غزه قابل اعمال نیست، از این رو از اجرای مفاد آن در خصوص حمایت از غیرنظامیان در سرزمینهای اشغالی تخلف کرده و در ارتکاب تخلفات مذکور اصرار می ورزد.^{۱۲} علاوه بر ماده ۴۹ کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹، ماه ۷۳ نخستین پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ چنین مقرر می دارد: «اشخاصی که پیش از آغاز درگیریها طبق اسناد بین المللی پذیرفته شده از سوی طرفین ذی ربط، یا طبق مقررات ملی کشور محل پناهندگی یا کشور محل اقامت، اشخاص بی تابعیت یا پناهنده تلقی می شوند، مطابق با مفاد قسمتهای اول و سوم کنوانسیون چهارم در همه شرایط و بدون هیچ گونه تمایز ناروا باید مورد حمایت قرار گیرند.» ماده ۷۳ پروتکل اول نه تنها به این امر صحه می گذارد که پناهندگان به طور کلی در زمره اشخاص مورد حمایت خواهند بود، بلکه برخی نواقص نظام حمایتی پیش بینی شده

در کنوانسیون چهارم را نیز پوشش می‌دهد.^{۱۳} بر همین اساس عملکرد اسرائیل در اخراج فلسطینی‌ها از سرزمینهای اشغالی که در راستای سیاست پراکنده سازی فلسطینی‌ها صورت می‌گیرد، به معنی عدم پایبندی اسرائیل به تعهدات بین‌المللی عام‌الشمول می‌باشد. واقعیت این است که خودداری اسرائیل از اجرای مقررات کنوانسیون چهارم ژنو در سرزمینهای اشغالی فلسطین به تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تبدیل شده است.

قطعنامه‌های سازمان ملل متحد

امروزه قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، جایگاه ویژه‌ای را در نظام جهانی و روابط دولتها به خود اختصاص داده است و در برخی موارد می‌توان از آن به عنوان عنصری برای شکل‌گیری عرف بین‌المللی و تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل بهره‌گرفت. هر چند قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد دارای ضمانت اجرا بوده و قطعنامه‌های صادره از سوی مجمع عمومی فاقد ضمانت اجرا هستند و جنبه توصیه دارند، اما در شرایط کنونی شاهد آنیم که کشورها نسبت به قطعنامه‌های صادره از سوی مجمع عمومی نیز بدون توجه نیستند و سعی می‌کنند که به این دسته از قطعنامه‌ها امان نظر داشته و برای کسب پرستیژ و مشروعیت بین‌المللی به قطعنامه‌های صادره از سوی مجمع عمومی - هر چند جنبه الزام آور ندارند - عمل نمایند.

صدور قطعنامه از سوی سازمان ملل متحد در هر موضوعی دال بر اهمیت آن موضوع و بیانگر آن است که جامعه جهانی نسبت به آن مسئله نگران بوده و خواهان حل فوری مسئله می‌باشد. قطعنامه‌های صادره از سوی سازمانهای بین‌المللی به خصوص سازمان ملل متحد در خصوص مسایل اسرائیل - فلسطین حاکی از اهمیت موضوع و نگرانی جامعه جهانی نسبت به آن است که در این میان مسئله آوارگان فلسطینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مهم‌ترین قطعنامه‌ای که از سوی سازمان ملل در خصوص آوارگان فلسطینی در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ صادر شد، قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی است که در بند ۱۱ مقرر می‌دارد: «مجمع عمومی، [با بررسی اوضاع در فلسطین] تصمیم می‌گیرد که آوارگان خواهان بازگشت به

خانه های خود و زندگی صلح آمیز با همسایگانشان، باید در نخستین زمان ممکن اجازه چنین کاری را بیابند و غرامت اموال کسانی که مایل به بازگشت نیستند باید پرداخت شود، حکومتها یا مقامات مسئول باید خسارت یا زیانهای مالی را طبق اصول حقوق بین الملل یا انصاف جبران کنند.^{۱۴} بند ۱۱ قطعنامه ۱۹۴ در بردارنده دو شرط مشخص درباره اعمال حق بازگشت است: نخست اینکه، مجمع عمومی روشن ساخت که پناهندگان از سویی در انتخاب میان بازگشت به خانه هایشان و جبران خسارت یا زیانهایشان و از دیگر سو، بازنگشتن به خانه ها و دریافت غرامت کافی در ازای ارزش اموالی که از خود به جا گذاشته اند، آزاد هستند. همچنین قطعنامه ۲۳۷ مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۶۷ شورای امنیت به اسرائیل توصیه کرد که اصول بشر دوستانه کنوانسیون چهارم ژنو در خصوص رفتار با غیر نظامیان را دقیقاً رعایت نماید. قطعنامه ۶۰۷ مورخ ۵ ژانویه ۱۹۸۸ که به اتفاق آرای شورای امنیت به تصویب رسید، از اسرائیل خواست تا از اخراج هرگونه غیرنظامی فلسطینی از سرزمینهای اشغالی خودداری ورزد و مصرانه اجرای تعهدات ناشی از کنوانسیون مذکور توسط اسرائیل، به عنوان یک دولت اشغالگر، را درخواست نمود. در قطعنامه ۶۰۸ مورخ ۱۴ ژانویه ۱۹۸۸ که با رأی موافق در برابر رأی ممتنع ایالات متحده آمریکا تصویب شد، شورای امنیت از اسرائیل خواست تا به صدور دستور «اخراج غیرنظامیان» خاتمه دهد و بازگشت فوری غیرنظامیان اخراج شده قبلی به سرزمینهای اشغالی فلسطین را تضمین نماید، همچنین از اسرائیل خواست که از این پس اقدام به صدور دستور اخراج غیرنظامیان فلسطینی ننماید.^{۱۵} اسرائیل بدون توجه به قطعنامه های صادره از سوی سازمان ملل متحد، از اجرای قطعنامه ها امتناع می کند؛ زیرا از یک سو قطعنامه های صادره از سوی مجمع عمومی جنبه توصیه داشته و فاقد ضمانت اجرا است و از سوی دیگر، به پشتوانه حمایتهای بی دریغ ایالات متحده قطعنامه های صادره از سوی شورای امنیت نیز در عمل جنبه الزام آور نیافته است و این امر - عدم اجرای قطعنامه های سازمان ملل متحد - باعث تضییع حقوق فلسطینیان و حل نشده باقی ماندن مسئله شده است.

آنچه تاکنون بیان شد، در صدد توضیح وضعیت حقوقی آوارگان فلسطینی براساس

اسناد معتبر بین المللی بود که شامل حال تمامی پناهندگان فلسطینی پراکنده در سراسر جهان می شود و کلیه کشورهای امضا کننده موظف به رعایت و اجرای حقوق مطروحه نسبت به پناهندگان فلسطینی می باشند، اما واقعیت تلخ این است که حقوق آوارگان فلسطینی پراکنده در جهان به ویژه در سرزمینهای اشغالی نادیده گرفته می شود. پس از آشنایی با وضعیت حقوق آوارگان فلسطینی به طور اعم، شایسته است وضعیت آوارگان فلسطینی ساکن عراق به طور اخص مورد مطالعه قرار بگیرد؛ زیرا فلسطینیان پناهنده در عراق در مقایسه با فلسطینیان پناهنده در دیگر کشورها از وضعیت و شرایط مطلوب تری برخوردار بودند، اما در پرتو تحولات جدیدی که در عراق به وقوع پیوست و منجر به فروپاشی حکومت صدام حسین شد، وضعیت حقوقی، اقتصادی و اجتماعی فلسطینیان نیز متحول شده و مشکلات زندگی آنان مضاعف گردید.

بخش دوم- وضعیت آوارگان فلسطینی در عراق

کوچ اجباری آوارگان فلسطینی به عراق را می توان در سه مقطع زمانی به شرح زیر بررسی نمود:

الف) موج اول: ۱۹۴۸

در سایه اعمال وحشیانه و ارباب آمیز صهیونیست ها در سال ۱۹۴۸، حدود چهار هزار فلسطینی ساکن شهر حیفا و روستاهای حومه آن، به ویژه سه روستای جبج، اجزم و عین غزال، اجباراً به سوی عراق کوچ نمودند. مشارکت ارتش عراق در جنگ اول اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸، نقش اساسی را در انتقال این عده از فلسطینیان به عراق داشت، ضمن اینکه دولت عراق با توجه به وضعیت بحرانی منطقه در آن مقطع زمانی و همچنین نگرشی منفی نسبت به وجود هرگونه سازمان خارجی در عراق، از دادن مجوز به دفتر سازمان امداد و اشتغال آوارگان فلسطینی آنروا خودداری نمود و در مقابل وزارت دفاع عراق این وظیفه را بر عهده گرفت. آوارگان در ماههای نخستین ورود خود به عراق در مدارس، دانشگاهها، مؤسسه ها و هتلها اسکان داده شدند، اما پس از تعطیلات تابستانی دولت مجبور به انتقال تعداد زیادی از آنان به

بصره شد و آوارگان در پادگان شعیبه اسکان داده شدند. همچنین برخی از آنان به شهر موصل انتقال یافتند و آن دسته از خانواده‌های فلسطینی که در بغداد بودند، در چند باشگاه موجود در این شهر از جمله باشگاه و افرین، علویه، زوار و الرشید اسکان یافتند.^{۱۶}

ب) موج دوم: ۱۹۶۷

در پی جنگ ۱۹۶۷، تعدادی از فلسطینیان بی خانمان کرانه باختری و نوار غزه از طریق اردن وارد عراق شدند، ولی دولت عراق بر اساس تصمیم اتخاذ شده در اتحادیه عرب مبنی بر اینکه به فلسطینیان بی خانمان که تحت فشار ارتش رژیم صهیونیستی سرزمین خود را ترک می‌کنند، نباید اجازه داده شود که در دیگر کشورهای عربی اقامت کنند، بر همین اساس حکومت عراق اجازه ورود و اقامت به فلسطینیان به کشور خود را نداد و بدین ترتیب این عده مجبور به اقامت غیرقانونی در عراق شدند. هر چند که در آن زمان گروه‌های بسیاری از جمله سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) و اتحادیه کارگران فلسطین (شاخه عراق) وارد عمل شده و سعی نمودند تا مشکل این عده از فلسطینیان بی خانمان را حل کنند، ولی تمامی اقدامات آنها با شکست مواجه شد؛ چرا که دولت عراق بر اجرای قطعنامه صادره از سوی اتحادیه عرب در خصوص آوارگان فلسطین اصرار داشت.

ج) موج سوم: ۱۹۹۱

در سال ۱۹۹۱ عراق به کویت حمله کرد و این کشور را به اشغال خود درآورد. یاسر عرفات، رییس سازمان آزادی بخش فلسطین، از حمله عراق حمایت کرد. این حمایت باعث شد که ساف حمایت‌های مالی و سیاسی کشورهای ثروتمند حوزه خلیج فارس را از دست بدهد و بسیاری از فلسطینیان مجبور به ترک کویت و دیگر کشورهای عربی شدند. شمار فراوانی از آنان به ویژه ساکنان پیشین غزه که قادر به بازگشت به کشور قبلی محل اقامت خود نبودند، برای اشتغال و اقامت روانه عراق شدند.^{۱۷}

وضعیت حقوقی فلسطینیان در عراق

اداره امور آوارگان فلسطینی در عراق که به منظور نظارت و رسیدگی به امور آوارگان در سال ۱۹۵۰ از سوی وزارت کار و امور اجتماعی عراق تأسیس شد، آواره فلسطینی را بدین گونه تعریف می کند: «هر فرد فلسطینی که از سرزمین اشغال شده خود در سال ۱۹۴۸ به عراق مهاجرت کرده و قبل از تاریخ ۱۹۵۸/۹/۲۵ در آن ساکن شده باشد».^{۱۸} البته به برخی از دلایل انسانی و ملاحظات بشردوستانه به همسر مردانی که تا پیش از سال ۱۹۶۱ در این اداره ثبت نام کرده بودند، اجازه داده می شد تا به شوهران خود دبپیوندند، ولی پیوستن مرد آواره به همسر خود مجاز شناخته نشد. همچنین این اداره به کسانی که تا پیش از اول ژانویه ۱۹۶۱ وارد عراق شده بودند و دارای خویشاوندانی در میان آوارگان فلسطینی بودند، صفت آواره اطلاق می کرد. به این ترتیب، تمامی آوارگان فلسطینی ثبت نام شده در عراق یک کارت شناسایی همراه با گذرنامه دریافت می کردند که به آنان اجازه سفر به تمامی کشورهای عربی و خارجی داده می شد، اما دیگر آوارگان فلسطینی که در عراق سکونت دارند و دارای گذرنامه های فلسطینی هستند که در سوریه، لبنان و غزه به آوارگان داده می شود، به موجب حق اقامت یک ساله، در عراق ساکن هستند که بر حسب درخواست آنان تجدید می شود و امور آنان تابع دفتر امور اعراب در وزارت کار و امور اجتماعی است.^{۱۹}

حکومت عراق در سال ۱۹۵۰ برای تمام فلسطینی هایی که در اداره امور آوارگان فلسطینی ثبت نام کرده بودند، اسناد مسافرتی ویژه ای تهیه و به همه فلسطینی های ساکن عراق اعطا شد. بر این اساس مقرر گردید که با این اشخاص همانند عراقی ها رفتار شود و آنان از حقوقی برابر با عراقی ها منهای حقوق سیاسی برخوردار گردند. قانون تابعیت عراق در مورد کسب تابعیت رفتار خاصی را با فلسطینی ها مقرر کرد.^{۲۰} پس از انقلاب عراق، مجلس تشکیل گردید و تصمیم به واگذاری زمین با وام برای ساخت مسکن برای فلسطینیان گرفت. مجلس همچنین قوانین ویژه فلسطینیان، نظیر تصمیم شماره یک در ۱۹۶۸ که کمکهای مالی به فلسطینیان را تضمین کرد، توسعه داد. مجلس سپس تصمیم شماره ۳۶۶ را اتخاذ کرد که براساس آن برای حل بحران مسکن، به جای دادن زمین به فلسطینیان، مقداری واحدهای

ساختمانی ارزان قیمت با سرویسهای کامل ساخته شد. همچنین به فلسطینیان در عراق فرصتهای برابری در خصوص اشتغال، ارتقا، بازنشستگی، مرخصی، وامهای بانکی و عضویت در نمایندگیهای رسمی مانند عراقی ها اعطا گردید. در مقابل این تصمیم فلسطینی ها از خرید زمین، ساخت مسکن و دریافت وام منع شدند.^{۲۱}

بار دیگر در سال ۱۹۸۱ مجلس عراق تصمیم شماره یک را اتخاذ کرد که براساس آن فلسطینیان از حق مالکیت برخوردار شدند و به آنان حق داشتن مسکن برای سکونت پس از موافقت وزارت کشور داده شد. در سال ۱۹۸۴ دستور شماره ۵ تصویب شد که خواستار موافقت مؤسسات عمومی جهت استخدام و آموزشهای حرفه ای به منظور یافتن شغل و تغییر شغل فلسطینیان بود. در سال ۱۹۸۴ نیز به فلسطینیان اجازه داده شد که محل سکونتی به قیمت رایج برای خود داشته باشند. در سال ۱۹۸۷ صدام حسین تصمیم گرفت اجرای تصمیمهایی را که بیش از پنج سال گذشته اتخاذ شده بود، ملغی اعلام کند. عراق در سال ۱۹۹۷ تصمیم گرفت به هر فلسطینی که کارت عضویت حزب بعث را داشته باشد، قطعه ای زمین مسکونی بدهد.

وضعیت اسکان فلسطینیان در عراق

همان طور که اشاره شد، عراق یکی از مهم ترین کشورهای منطقه است که پس از بیرون رانده شدن فلسطینی ها در سال ۱۹۴۸، پذیرای آوارگان فلسطینی بوده است. در عین حال، هیچ آمار دقیقی از تعداد آوارگان فلسطینی در عراق وجود ندارد. براساس برآوردها تعداد آوارگان فلسطینی در عراق، از ۳۴ هزار تا ۹۰ هزار نفر، توسط سازمان «دیده بان حقوق بشر»^(۱) محاسبه شده است. این سازمان در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۰۳، تعداد آوارگان فلسطینی را بین ۳۵ تا ۷۵ هزار نفر اعلام کرده است.^{۲۲} تقریباً تمامی جمعیت فلسطینی در بغداد زندگی می کنند، حدود ۴ هزار فلسطینی در شمال شهر موصل و حدود ۷۰۰ نفر هم در جنوب بصره زندگی می کنند. فلسطینی های بغداد اغلب در این مناطق

زندگی می‌کنند: المشتعل، بغداد جدید، الدورة، کراة الشرقیه، البطاوین، الزعفرانیة، البلديات و الحوریه. بسیاری از فلسطینیان در آپارتمانهای کوچکی که به وسیله دولت عراق ساخته شده است، زندگی می‌کنند و برخی از خانواده‌ها در مؤسسه‌های دولتی نظیر مدارس اسکان یافته‌اند؛ به عنوان مثال، در الزعفرانیة ۸ خانواده در مدرسه قدیمی نابینایان سکنی گزیده‌اند، ۸۰ نفر در یک دارالایتام قدیمی زندگی می‌کنند و البته بعضی از خانواده‌ها منزل شخصی اجاره کرده‌اند. به دنبال اخراج ۱۹۶۸، آوارگان فلسطینی که وارد عراق شدند ابتدا در مدارس و اردوگاههای نظامی اسکان یافتند. به زودی دولت عراق احداث ساختمانهای موقت برای اسکان آوارگان فلسطینی را آغاز کرد. پس از آن در دهه ۱۹۷۰ اقامتگاههای همگانی با سرویسهای اولیه نظیر آب، برق و فاضلاب برای آوارگان فلسطینی ساخته شد. خانه‌های ساخته شده توسط دولت برای جمعیت روبه رشد فلسطینی ناکافی بود. در پاسخ به نیاز مسکن، دولت عراق شروع به اجاره منازل شخصی برای آوارگان فلسطینی به صورت رایگان - با هزینه دولت - کرد. به هر صورت، در طول این سالها تقریباً ۶۳ درصد فلسطینیان در عراق از خانه‌های شخصی بهره‌مند شدند. پس از جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ وضعیت اقتصادی دولت بسیار وخیم شد، از این رو دولت عراق پرداخت اجاره به صاحب‌خانه‌هایی که فلسطینیان منازلشان را اشغال کرده بودند، متوقف ساخت.

در پایان دهه ۱۹۹۰، اجاره ماهیانه صاحب‌خانه‌های شیعه که منازلشان توسط فلسطینیان تصرف شده بود، تقریباً کمتر از یک دلار آمریکا بود که توسط دولت عراق پرداخت می‌شد. براساس قانون، مالکان خانه‌ها از نقض توافق‌نامه اجاره منع شده بودند که منازل خود را با قیمتهای غیرمنطقی اجاره دهند، در نتیجه اجاره این منازل تقریباً رایگان بود. در سال ۱۹۹۹ گروهی از صاحب‌خانه‌های شیعه از منطقه التوبجی سعی کردند که الغای توافق‌نامه اجاره غیرمنصفانه را در دادگاه مطرح سازند، اما در دعوی خود شکست خوردند.^{۲۳} به طور کلی می‌توان اماکن مختلفی را که آوارگان فلسطینی مقیم عراق در آن سکونت دارند، به پنج دسته به شرح زیر تقسیم کرد: ۱. خانه‌های مصادره‌ای که در واقع این خانه‌ها املاک مصادره شده از سوی یهودیانی است که به فلسطین مهاجرت کرده‌اند. این خانه‌ها

بر اساس وضعیت خانوار فلسطینی از یک اتاق تا سه اتاق دارند و نسبت آوارگان فلسطینی ساکن در این خانه‌ها در حدود ۱۲/۷ درصد از مجموع آوارگان فلسطینی در عراق است. ۲. اردوگاه‌هایی که خانه‌های قدیمی و بزرگ دارند، خانواده‌های آواره بسیاری را در خود جای داده‌اند و با توجه به وضعیت بهداشتی برای سکونت مناسب نیستند. ۳. خانه‌های اجاره‌ای که آوارگان فلسطینی آنها را از شهروندان عراقی اجاره می‌کنند. ۴. آپارتمانهای مسکونی منطقه نیسان (آوریل) که تعداد ساکنان آن حدود ۱۹/۷ درصد از کل آوارگان فلسطینی را شامل می‌شود. ۵. خانه‌های دولتی و اجاره‌ای که در مناطق مختلف بغداد پراکنده‌اند.^{۲۴} حال شایسته است برای تکمیل بحث به وضعیت آوارگان فلسطینی پس از سقوط صدام نیز پرداخته شود.

وضعیت فلسطینیان در عراق پس از سقوط صدام

حمله آمریکا به عراق و براندازی رژیم عراق، وضعیت آوارگان فلسطینی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. هر چند که جمعیت فلسطینی ساکن عراق که از سرزمین خود آواره شده و به اجبار زندگی در این کشور را برگزیده‌اند، هیچ‌گاه از وضعیت مطلوب و مناسبی برخوردار نبوده‌اند، این شرایط نامناسب پس از تحولات جدید در منطقه بسیار وخیم‌تر شده است و شاید بتوان گفت یکی از بازندگان اصلی جنگ آمریکا علیه عراق، جامعه فلسطینیان ساکن در عراق هستند. همان‌طور که اشاره شد، آوارگان فلسطینی قبل از سقوط رژیم صدام حسین حمایت می‌شدند و مالکان عراقی مجبور بودند در جهت حمایت از آنان اجاره کمی بگیرند، اما پس از سقوط رژیم، مالکان عراقی مستاجرین فلسطینی خود را برای دریافت اجاره خانه بیشتر از منزل خود بیرون می‌کنند، به طوری که بسیاری عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) طی بیانیه‌ای اعلام کرد که تقریباً ۱۰۰۰ فلسطینی در بغداد از محل زندگی خود بیرون رانده شده‌اند.^{۲۵}

در طی این مدت، تقریباً همه فلسطینیان شغل و آپارتمان خود را در بغداد از دست داده‌اند. به استثنای بازرگانان ثروتمند فلسطینی بقیه فلسطینیان به البلديات (محله کثیف

شهر که اردوگاه اصلی آوارگان فلسطینی بعد از جنگ ۱۹۴۸ در آن بنا شد) رانده شده اند. گفته شده است هم اکنون حدود ۳۰ هزار فلسطینی در بغداد زندگی می کنند که اکثریت قریب به اتفاق آنها در البلدیات هستند. این بدان معنی است که جمعیت این منطقه بعد از پایان جنگ آمریکا علیه عراق سه برابر شده است. اکنون آپارتمانهای کوچک منطقه به وسیله خانواده های پر جمعیت پر شده است؛ برای مثال، در یک آپارتمان ۴۰ نفر زندگی می کنند که در ایالات متحده یک آپارتمان یک خوابه خوانده می شود. بیش از ۱۵۰۰ فلسطینی هم در اردوگاههای چادری صلیب سرخ در حومه شهر سکنی گزیده اند که همه آنها به دلیل فلسطینی بودن از خانه خود در بغداد بیرون انداخته شده اند.^{۲۶} در گزارشی که توسط دکتر هیثم معنا در خصوص وضعیت فلسطینیان در عراق تهیه شده است، در توضیح مناطقی که در سال ۲۰۰۳ فلسطینیان در بغداد اقامت گزیده اند چنین آمده است:

- البلدیات: در آنجا حدود ۱۶۰۰ خانواده وجود دارد که در ۷۶۸ آپارتمان در ۱۶ ساختمان مسکونی پخش شده اند؛

- ۶ پناهگاه متوسط در بغداد جدید که برای کلینیکهای دامپزشکی استفاده می شد.

- ۲۴ ساختمان یارانه ای دولتی در تل محمد؛

- ۳ پناهگاه که یکی از آنها در حال ویران شدن است در نزدیکی امین که در جمع ۴۵

آپارتمان دارند؛

- ۳ پناهگاه در الزعفرانیه و ۸ ساختمان رایانه ای دولتی که از وضعیت بسیار بد و غیر

انسانی برخوردار هستند؛

- ۳ پناهگاه در نزدیکی حوریه که یکی از آنها بزرگ و بقیه در اندازه متوسط هستند که

بطور کل شامل ۱۲۹ خانه یارانه ای دولتی می شوند؛

- خانه هایی در نزدیکی کاخ صدام که هم اکنون در تصرف نیروهای آمریکایی است؛

- به طور کلی ۶۸ ساختمان پراکنده با انواع مختلف در البطوین، الجهاد و ابوتشیر و

دیگر مناطق وجود دارد.^{۲۷}

پس از سقوط صدام حسین ۷۰۶ خانواده مجبور شدند که خانه خود را ترک کنند،

بعضی از آنها نزدیکی داشتند و توانستند به نزد آنها در اقامتگاههایی شلوغ بروند و با نزدیکان خود زندگی کنند. در نتیجه اردوگاه العوده که در بلدیات آماده شده بود پذیرای بسیاری از آنها در شرایط بسیار ناگوار بود. لازم به ذکر است که ۱۰۱۸ فلسطینی عراق را به قصد اردن ترک کردند اما از ورود برخی از آنها (تقریباً ۹۰۰ نفر) جلوگیری شده است و اکنون در اردوگاهی نزدیک الرواحید اقامت گزیده اند.^{۲۸} منابع دیگری نظیر مرکز العوده در خصوص آوارگان فلسطینی در عراق عنوان کرده اند که از ۲۰ آوریل ۲۰۰۳، ۱۵ هزار مرد، زن و کودک فلسطینی در ۴۰۰ چادر در بغداد زندگی می کنند. کل تعداد فلسطینیانی که در نتیجه اشغال آمریکایی-انگلیسی به اجبار از عراق خارج شده اند بین ۴ هزار تا ۵ هزار زن، مرد و کودک تخمین زده می شود که بیشتر آنها در اردوگاه الرشید نزدیک مرز اردن زندگی می کنند.^{۲۹} پس از ایجاد تغییرات در اوضاع داخلی عراق، شرایط زندگی آوارگان فلسطینی بسیار اسف بارتر از آن است که تاکنون ذکر گردید؛ زیرا نیروهای امنیتی عراق چند بار به ساختمانهای مسکونی فلسطینی در البلدیات حمله کرده، بر روی آنها آتش گشوده و تعدادی از فلسطینیان ساکن را دستگیر کرده اند. عبدالله الحورانی، رییس مرکز تحقیق و اسناد ملی فلسطین، بر این باور است که حمله نظامیان عراق به آوارگان فلسطینی در حومه بغداد توطئه ای از سوی موساد و اسراییل می باشد. خورانی اعلام داشته است حمله به آوارگان فلسطینی در بغداد بخشی از عملیات جنایتکارانه توسط نیروهای عراقی برای انتقام از فلسطینیان است که به دستور عبدالعزیز حکیم صورت می گیرد.^{۳۰} نکته اصلی این است که آوارگان فلسطینی مورد حمله نیروهای امنیتی عراق قرار می گیرند که به عنوان مثال می توان به موارد اخیر اشاره کرد:

۱. صبح ۳۱ مه ۲۰۰۵، مصباح عبدالسلام، آواره فلسطینی، توسط نیروهای امنیتی در محل کار خود در ساختمان انبار کالا در الحوریه بغداد دستگیر شد و هیچ توضیحی برای بازداشت وی داده نشد؛

۲. نیروهای امنیتی چندین خانه فلسطینی ها را در منطقه الزعفرانیه بغداد مورد حمله قرار دادند و ۱۴ فلسطینی را بازجویی و ۴ نفر را دستگیر کردند که از سرنوشت چهار نفر

دستگیر شده هیچ خبری در دست نیست؛

۳. شب ۳۱ مه ۲۰۰۵، یک گردان از نیروهای امنیتی وزارت کشور، محل سکونت فلسطینیان در الریسه در شرق بغداد را مورد حمله قرار دادند. آنان هاشم الاسود، ملقب به ابومروان، و پسرش مروان که دانشجوی است را دستگیر کردند. نیروهای نظامی ابتدا خانه همسایه ابومروان را به اشتباه منفجر و خانواده او را تهدید کردند. سپس، بعد از پی بردن به اشتباه خود، به خانه ابومروان حمله کرده و خانواده او را بازداشت کردند. اما پس از التماس زنان خانه، آنها آزاد شدند ولی ابومروان و پسرش را دستگیر و به همراه خود بردند؛

۴. شب ۳۱ مه ۲۰۰۵، تعدادی از افراد نیروهای امنیتی به یک فلسطینی در آپارتمانش حمله کردند؛

۵. نیروهای امنیتی در صبح اول ژوئن ۲۰۰۵، ساکنان فلسطینی آپارتمانهایی در البلدیات را برای یافتن کاغذهایی که پر از دشنام و توهین به نظامیان بود و در اطراف منطقه آنها پخش شده بود، از خواب بیدار کرده و همه خانواده‌های فلسطینی را به اخراج از منطقه تهدید کردند.

۶. نیروهای آمریکایی آپارتمان محمد بدر خلیفه فلسطینی را که در الصیدیه زندگی می‌کند، به دقت مورد تفتیش و بازرسی قرار دادند، اما چیزی پیدا نکردند، لیکن وی دستگیر شد و هیچ دلیلی برای دستگیری وی ارائه نشد.

۷. در ۳۰ می ۲۰۰۵، بسیاری از مؤسسه‌های تجاری در المشتعل در مجاورت محل سکونت فلسطینیان در البلدیات مورد حمله قرار گرفت؛ زیرا نیروهای امنیتی عراق مطلع شده بودند که یکی از کارگران یک رستوران محلی فلسطینی است؛ این فرد بیش از ۵۰ سال سن و تکفل یک خانواده ۶ نفره را برعهده داشت. وی در زمان دستگیری کارت شناسایی فلسطینی خود را در دهانش گذاشت. او پس از دستگیری مورد ضرب و شتم مأموران عراقی قرار گرفت.

۸. روز ۳۱ مه ۲۰۰۵، سه فلسطینی اجناسی را از فروشگاه اصلی کالاهای الکتریکی در خیابان الجمهوریه، مرکز بغداد، خریداری کردند. دو نفر از آنها در بخش البیع و نفر سوم در الغزالیه سکونت داشتند. یکی از مغازه داران از آنان ملیتشان را پرسید و با تمسخر پرسید که آیا

عرب هستند؟ سه فلسطینی به سؤال تحریک بر انگیز مغازه دار پاسخ منفی دادند. با این حال، مغازه دار از افراد محلی خواست که آنان را مورد ضرب و شتم قرار دهند تا بگویند که آواره فلسطینی هستند، این سه نفر پس از انتقال به مرکز پلیس محلی توسط پنج مأمور پلیس کتک خوردند و مجبور شدند برای آزادی خود مبلغ ۵ هزار دلار پرداخت کنند.^{۳۱} موارد یاد شده تنها گویای گوشه مختصری از شرایط ناگوار فلسطینیان در عراق پس از اشغال است می باشد که سعی گردید به طور موردی و برای نمونه ذکر شود.

نتیجه گیری

همان طور که در مقدمه اشاره شد، در شکل گیری و اجرای سیاست داخلی و خارجی کشورها متغیرهای متعددی دخیل است که به طور خلاصه عبارت است از: مبانی اعتقادی، شرایط ژئوپلیتیک، فرهنگ سیاسی و عمومی جامعه، ساختار و نوع نظام سیاسی حاکم، نیازمندیها و احتیاجات جامعه در تمام ابعاد، نوع ماهیت نظام بین الملل، وضعیت تصمیم گیری تصمیم گیران، نحوه نگرش آنان نسبت به مسایل سیاسی و نظام بین المللی و بالاخره وضعیت و میزان دوستی و دشمنی با همسایگان. اگر موضع زمامداران و حاکمان عراق را در طول تاریخ آوارگی فلسطینیان در این کشور با توجه به موارد یاد شده مورد ارزیابی قرار دهیم، ملاحظه خواهد شد که ساختار حاکم بر نظام بین الملل (نظام دو قطبی، پیامدهای حوادث ۱۱ سپتامبر)، تحولات منطقه خاورمیانه (جنگهای اعراب علیه اسرائیل، روند مذاکرات صلح خاورمیانه) و اوضاع داخلی عراق (روی کار بودن صدام حسین، روی کار آمدن زمامداران جدید) از مهم ترین عوامل تأثیر گذار در وضعیت فلسطینیان در عراق است.

حمله آمریکا به عراق، برکناری رژیم بعث و روی کار آمدن زمامداران جدید نقطه عطفی در تاریخ آوارگی فلسطینیان در عراق محسوب می گردد. با توجه به آنچه که شرح آن گذشت در یک مقایسه تطبیقی بین وضعیت فلسطینیان در عراق در دوران زمامداری صدام حسین و روی کار آمدن حکومت جدید، این نکته آشکار می شود که هر چند فلسطینیان ساکن عراق آواره تلقی می گردیدند، اما از پایگاه اجتماعی نسبتاً مطلوب تری نسبت به کشورهای دیگر بهره مند

بودند. پس از سقوط صدام در وضعیت آوارگان فلسطینی در عراق تغییراتی اساسی حاصل گردیده و همان طور که اشاره شد آنان از محل اسکان خود اخراج شده و تعدادی نیز مجبور شده اند عراق را ترک کنند. البته به باور برخی از زمامداران جدید عراق، فلسطینی ها موقعیت پیشین خود را از دست داده اند و چون جاسوس صدام بوده و عامل اصلی ناآرامی و بی ثباتی در عراق محسوب می گردند، نیروهای امنیتی باید بر فشارهای خود علیه فلسطینی ها بیفزایند.

در مجموع، صدام حسین از مسئله فلسطین و آوارگان فلسطینی صرفاً برای اهداف شخصی خود استفاده می کرد. غیر از اقدامات انجام شده اولیه در دهه های ۶۰ و ۷۰ که وضعیت بعضی از آوارگان بهبود یافت، سایر قوانین نوشته ای بر روی کاغذ بودند و در مرحله عمل هیچ بهبودی در دهه های ۸۰ و ۹۰ در وضعیت فلسطینیان دیده نمی شود؛ چرا که آنها از نظر مسکن، شغل و بهداشت که از نیازهای اساسی انسان است، دچار مشکل بودند. پس از تحولات جدید و با روی کار آمدن حکومت جدید چرخشی اساسی در تعریف از منافع ملی ایجاد گردیده است. در این دوره فلسطینیان در عراق صرفاً افراد بیگانه و آواره تلقی نمی شوند، بلکه گفته می شود برخی از آنان عامل بی ثباتی و ناآرامی در عراق هستند که باید با آنها برخورد کرد. چنین چرخشی در نگرش و موضع دولتمردان عراق نسبت به آوارگان فلسطینی باعث شد که مشکلات زندگی این افراد دو چندان شود و همچنان سرنوشت زندگی آنان بازچه امیال، منافع و خواسته های صاحبان قدرت قرار گیرد. از این رو، شایسته است که جامعه جهانی راهکاری اساسی و عملی برای حل معضل آوارگان فلسطینی بیندیشد و برای بازگرداندن آنها به موطن اصلی خویش تلاش نماید.

پاورقیها:

1. Benny Moriss, The Birth of Palestinian Refugee Problem 1947-1949, Cambridge: Cambridge University Press, 1987, p. nll.
2. Ibid, p. 13.
۳. آلسدایر دراسیل و جرالند بلیک، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، ص ۳۸۲.
4. UNRWA, Assistance to Palestine Refugees, in Terim Report of the Director of The United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees in Near East. GADR 5th Sess Suppl. 19 UN Doc AL 1451IRev 1. Para.
5. Ibid.
6. UNRWA, Annual Report, 1952, GADR, 7th. Sess Suppl. 17 UN Doc A/2171 2.N.1.
7. UNRWA, Information Paper, No.6, 1962, p. 10.
۸. لکس تاکنبرگ، وضعیت آوارگان فلسطینی در حقوق بین الملل، ترجمه محمدحبیبی مجوزه و مصطفی فضایی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش با همکاری کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱، ص ص ۹۱-۱۰۱.
۹. همان، ص ص ۹۹-۱۰۱.
10. Hen Ckaerts and Iean-Marie, Mass Expulsion in Modern International Law and Practiec, London: Matinus Nijh off Publishers, 1988, p. 151.
۱۱. لکس تاکنبرگ، پیشین، ص ۲۱۲.
۱۲. جهت اطلاعات بیشتر در خصوص استدلالهای اسراییل و موارد تخلف آن، رک: نادر ساعد، «منع اخراج غیرنظامیان از سرزمینهای اشغالی فلسطین از دیدگاه حقوق بین الملل بشر دوستانه»، فصلنامه مطالعات فلسطین، سال دوم، شماره دوم، زمستان ۱۳۷۹، ص ص ۸۹-۱۲۳.
۱۳. لکس تاکنبرگ، پیشین، ص ۲۱۶.
۱۴. همان، ص ۳۸۱.
۱۵. نادر ساعد، پیشین، ص ص ۱۰۱-۱۰۰.
16. <http://www.prc.org.uk/webpages/books/englishrefugees-iraq.htm>.
17. Haytham Manna, The Palestinians in Iraq, Paris: 24/6/2003, at: www.shaml.org.
18. www.shaml.org/arbic/pubications/monos
۱۹. در ماده یک قانون شماره ۵ سال ۱۹۷۵، در مورد اعطای تابعیت عراقی به عرب ها آمده است: «وزیر کشور می تواند تابعیت عراقی را به هر عرب متقاضی اعطا کند، به شرطی که به سن بلوغ رسیده باشد و رفتار و وجهه خوبی داشته باشد، بدون آنکه با شرایط کسب تابعیت مقرر در بند یک ماده ۸ قانون شماره ۴۳ مورخ ۱۹۶۳ اصلاحی تابعیت عراقی محدود باشد. فلسطینی ها از این امر معاف خواهند بود، مگر آنکه قانون یا مصوبه ای خلاف آن پیش بینی کند.» رک: لکس تاکنبرگ، پیشین، ص ص ۱۶۹-۱۷۰.
20. Haytham Manna, op.cit.
21. Ibid.

22. www.hrw.org/reports/2003/iraqjordan/iraqjordan0503-03.htm.

در حالی که برخی از منابع نظیر کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) تعداد آوارگان فلسطینی در عراق را ۸۰ هزار نفر ذکر کرده است.

23. Ibid.

۲۴. جواد المحمد و عبدالفتاح الرشدان، متقبل الاجنبن الفلستین و فلستین الشتاق، عمان: مرکز الدراسات الشرق الاوسط، ۲۰۰۲، ص ۲۳۶.

25. www.bbc.co.uk (9.5.2003).

26. <http://www.samjaffe.com/archives>.

27. Haytham Manna, op.cit.

28. Ibid.

29. www.Al-awwda.org/IraqPalestinianRefugees.

30. www.aljeerah.net (2.5.2005)

31. <http://IraqWar.Mirror-World.ru>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی